

نسبت حاشیه‌نشینی با خشونت خانگی علیه کودکان

Photo: vlad_k/depositphotos.com

راضیه امیری

حاشیه‌نشینی را شاید بتوان بالای بزرگ دانست. بلایی ویرانگر که با خود هزاران آسیب و بحران همراه می‌آورد. آسیب‌های جدی اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای بیش از جاهای دیگر بروز پیدا می‌کنند. از جمله آن آسیب‌ها خشونت خانگی علیه کودکان است. این گزارش بر آن است تا تاملی در نسبت حاشیه‌نشینی با خشونت خانگی علیه کودکان داشته باشد.

بهتر است در ابتدا تعریفی از حاشیه‌نشینی ارائه شود تا روشن شود که اساسا در اینجا درباره چه سخن گفته می‌شود.

«اسکان غیررسمی «و» زاغه‌نشینی «از جمله مختصات بارز حاشیه‌نشینی است. در تعریف کمتر مورد مناقشه‌ای از این پدیده، [درباره آن گفته می‌شود:](#)» حاشیه‌نشینان به کسانی گویند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اجتماعی و اقتصادی شهر نشده و خود، شیوه جدیدی از زندگی را پدید آورده‌اند. این نوع زندگی، با سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلی متفاوت است و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود، بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد.»

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

سید حسین حسینی، جامعه‌شناس، بر این باور است که هر اندازه از طبقات مرفه اقتصادی به سمت طبقات پایین جامعه برویم، میزان خشونت خانگی افزایش پیدا می‌کند.

او بر این اساس و با استناد به مطالعات صورت گرفته، [می‌گوید:](#) «زنان و کودکان در خانواده‌های حاشیه‌نشین و خانواده‌هایی که سطح سواد آکادمیک آنها پایین است و از درآمدهای پایین‌تری برخوردار هستند، بیشتر در معرض این آسیب‌ها و خشونت‌ها قرار دارند.»

در حاشیه، کودک آزاری عادی جلوه می‌کند

در واقع، خشونت جزئی‌گریزناپذیر از زندگی در حاشیه است. از خشونت‌های عریان همچون درگیری‌های فیزیکی گرفته تا خشونت‌های پنهان همچون غفلت از کودکان و بلکه بدتر، بهره‌گیری و بهره‌برداری از آنها.

نکته این است: زمانی که خشونت گسترش یابد و ریشه‌دار شود، مشروع و موجه جلوه می‌کند؛ این اتفاقی است که در زندگی حاشیه‌نشینانه در ایران رخ داده است.

بر این اساس است که محمودی جانکی، رئیس موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، [در اظهارنظری بی‌پرده می‌گوید:](#) «خشونت علیه کودکان در برخی مناطق حاشیه‌نشین به حدی گسترش یافته که دیگر سطوح پایین کودک آزاری دیده نمی‌شود و بخشی از زندگی عادی آنها به شمار می‌رود.»

بر اساس برخی آمارهای ارائه شده در ایران، حدود شش درصد از خانواده‌ها دچار عادی‌انگاری کودک آزاری شده‌اند. همچنین محل سکونت ۱۳ درصد از کودکان آزاردیده در پاتوق‌ها و خانه‌های تیمی است. حدود ۰۶ درصد از کودکان در خانه و ۸۲ درصد در محله مورد آزار و خشونت [واقع می‌شوند.](#)

نسبت مکان و خشونت

مکان‌های نامطلوب زندگی، تراکم بالای جمعیت، ناآگاهی و فقر از عوامل اصلی میزان بالای خشونت علیه کودکان در حاشیه شهرها هستند. فقر و جابه‌جایی جمعیت در مناطق حاشیه‌نشین، آنها را وادار می‌کند مهم‌ترین اولویت خود را تامین غذا و سرپناه بدانند؛ یعنی در نهایت تنها برای زنده ماندن [تلاش می‌کنند.](#)

در این مسیر و برای این هدف، اگر کودکان بتوانند کمک‌حال این زنده ماندن باشند، چه باک از سوء استفاده از آنان؟

در واقع، این یک واقعیت تلخ و هشداردهنده است که ۰۷ درصد کودکان آزاری‌ها از سوی خانواده‌ها صورت می‌گیرد؛ توسط والدینی که اغلب خود نیز قربانی خشونت و شرایط اجتماعی، اقتصاد و فرهنگی هستند.

اکثر والدین کودک آزار اعتیاد دارند و در مناطقی با تراکم بالای جمعیت، نرخ بالای بیکاری و فقر زندگی می‌کنند.

تمام این عوامل در مناطق حاشیه‌نشین با شدت بالا در جریان است. بنابراین می‌توان گفت رابطه‌ای مستقیم میان حاشیه‌نشینی و خشونت خانگی علیه کودکان وجود دارد. تحقیقات دانشگاهی صورت گرفته نیز این فرضیه را تایید می‌کنند.

بیشتر بخوانید:

[تبعیض ساختاری علیه اشتغال زنان](#)

[ازدواج اجباری دگرباشان، کژراهه‌ای به سوی تجاوز](#)

[کودک‌همسری در ایران](#)

پژوهشی که در سال ۱۹۳۱ با عنوان «بررسی رابطه بین وضعیت محل مسکونی حاشیه‌نشینان با خشونت خانگی نسبت به فرزندان در شهر اهواز» صورت گرفته است، نشان می‌دهد زندگی در نواحی حاشیه و سکونت در خانه‌های تنگ و با فضای سکونت کوچک، به بروز آشفته‌گی، آنومی و تقویت خصایصی چون ضعف پیوندهای اجتماعی و از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی منجر می‌شود.

زندگی در این محیط‌ها به فشارهای فیزیکی و روانی برای حاشیه‌نشینان منجر می‌شود؛ به طوری که این فشارهای روانی سبب‌ساز بروز رفتارهای خشن نسبت به اطرافیان و از جمله کودکان می‌شود. حتی تحقیقات غربی نیز **ثابت کرده** است، فضاهای پرت و دورافتاده از دید تنگ و باریک، از جمله مکان‌های مستعد ایجاد خشونت هستند.

یکی از نکاتی که فعالان حقوق کودک در ایران روی آن انگشت می‌گذارند این است که اگرچه در تمام دنیا در مناطق حاشیه‌نشین وضع کودکان بدتر است، اما در ایران این پدیده تبدیل به یک «بحران» شده است، چنان که به باور آنها، حاشیه در ایران تبدیل به «یک مکان بسیار امن برای مجرمان به ویژه کودکان آزاران» **شده است**.

خشونت‌دیده‌های امروز، خشونت‌گران فردا

حاشیه در ایران تبدیل به مکانی بی‌دردسر شده است برای کسانی که کودک‌آزاری را عادی می‌پندارند. این افراد فقط سرکرده‌های باندهایی نیستند که کودکان را به خدمت خود درآورده‌اند، بلکه بیشتر کودکان آزارها را والدین تشکیل می‌دهند. آنها تصور می‌کنند جرمشان در میان انبوه جرایمی که در این مناطق اتفاق می‌افتد، پنهان می‌شود.

این نیز یک واقعیت است: افرادی که در این مناطق زندگی می‌کنند آگاهی کمتری نسبت به حقوق خود و جرایمی دارند که رخ می‌دهند.

اما وضعیت کودکان و خشونتی که علیه آنها در مناطق حاشیه‌نشین اعمال می‌شود، تنها مسئله‌ای مربوط به حاشیه نیست بلکه زنگ خطری برای کل جامعه است.

در صورت گسترش، نهادینه شدن و عادی شدن خشونت خانگی علیه کودکان حاشیه‌نشین، این آسیب اجتماعی از حاشیه به متن سرایت خواهد کرد و در صورتی که اکنون برای این معضل چاره‌ای اندیشیده نشود، کودکان محروم و خشونت‌دیده امروز به خشونت‌گران فردا تبدیل خواهند شد و این دور آسیب‌زا همچنان ادامه خواهد داشت.

پس در درجه نخست نیاز است که شهر درک کند در حاشیه چه می‌گذرد و وضعیت کودکان مناطق حاشیه چه وضعیت پرمخاطره‌ای است.